

# Iran's Economic Diplomacy Priorities in the West Asian Region: Providing a Quantitative Model of Tools and Variables Influencing International Economic Governance

**Ali marvi samavarchi**

PhD Student, Department of Economics, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

ali.marvis@gmail.com

**Sadeq bakhtiari**

Professor, Department of Economics, Isfahan (Khorasgan) Branch, , Islamic Azad University, Isfahan Iran (Corresponding author).

bakhtiari\_sadegh@yahoo.com

**Saeed Daei-Karimzadeh**

Associate Professor, Department of Economics, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

saeedkarimzade@yahoo.com

## Abstract

Economic diplomacy is the most important legal and political tool to counter sanctions. This study seeks to provide a quantitative model for economic diplomacy aimed at strengthening Iran's economic governance in the region. For this purpose, it uses fuzzy hierarchical analysis method to predict policy priorities and the effectiveness of each policy.

Findings of this study show that in economic diplomacy, the priority is to attract foreign capital (with a coefficient of 0.17). Economic diplomacy should be more tailored to the needs of multinational corporations than governments. The next priority of Iran's foreign policy in the field of economy should be on Iran's membership and use of world economic organizations. This study shows that the management and liberalization of the country's foreign exchange resources is the next priority of economic diplomacy. Having a trade surplus should be the fifth strategy obtained by obtaining concessions, especially tariff, currency and tax concessions for private sector exporters in the destination countries.

The seventh and eighth priorities in economic diplomacy are to strengthen the country's position in the World Bank and the International Monetary Fund. This will happen by strengthening the Iranian representations and strengthening the country's seat in the specialized commissions and working groups of these institutions. The ninth and tenth priorities of economic diplomacy should be to facilitate the export of industrial goods and liberalize the economy, respectively.

Findings of this study provide a list of 25 priority measures of economic diplomacy.

**Keywords:** Economic diplomacy, foreign direct investment, preferential tariffs, multinational corporations.

**JEL Classification:** F59, F21.

# اولویت‌های دیپلماسی اقتصادی ایران

## ارائه مدل کمی از ابزارها و متغیرهای تأثیرگذار بر حکمرانی اقتصادی بین‌المللی

### علی مروی سماورچی

دانشجوی دکتری، علوم اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.  
ali.marvis@gmail.com

### صادق بختیاری

استاد تمام، گروه علوم اقتصادی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).  
bakhtiari\_sadegh@yahoo.com

### سعید دائی کریمزاده

دانشیار، گروه علوم اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.  
saeedkarimzade@yahoo.com

### چکیده

دیپلماسی اقتصادی، مهم‌ترین ابزار حقوقی و سیاسی مقابله با تحریم به شمار می‌رود. هدف این پژوهش ارائه مدل کمی برای دیپلماسی اقتصادی با هدف تقویت حکمرانی اقتصادی ایران در منطقه است. مدلی که اولویت‌بندی و میزان اثربخشی سیاست‌ها و اقدامات در حوزه دیپلماسی اقتصادی را بیان کند. بدین منظور با روش تحلیل سلسله مراتبی فازی، اولویت‌های سیاست‌گذاری و میزان اثربخشی هر سیاست را پیش‌بینی می‌کند.

در این پژوهش اولویت‌های سیاست خارجی ایران در حوزه اقتصاد در دیپلماسی اقتصادی ارائه شده است. اولویت اول دیپلماسی اقتصادی، توجه به این نکته است که سرمایه خارجی (با ضریب ۰,۱۷)، بایستی بیشتر متناسب با نیازهای شرکت‌های چند ملیتی (۰,۰۷) باشد تا اینکه نیازهای دولت‌ها را در نظر بگیرد. اولویتهای بعدی عضویت و استفاده ایران از سازمان‌های اقتصاد جهانی (۰,۰۶)، مدیریت و آزادسازی منابع ارزی خارجی کشور (۰,۰۵)، راهبرد داشتن مازاد تجاری (۰,۰۴۸) که با گرفتن امتیازات به ویژه امتیازات تعرفه‌ای، ارزی و مالیاتی برای صادرکنندگان بخش خصوصی در کشورهای مقصد به دست می‌آید؛ تقویت جایگاه کشور در بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول (۰,۰۳۷) اختصاص دارد که با تقویت نمایندگی‌های ایرانی و تقویت کرسی کشور در کمیسیون‌ها و کارگروه‌های تخصصی این نهادها اتفاق می‌افتد؛ تسهیل صادرات کالاهای صنعتی (۰,۰۳۳) و آزادسازی اقتصاد (۰,۰۳۱)، هستند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، ۲۵ اقدام اولویت‌دار دیپلماسی اقتصادی به همراه میزان اثرگذاری آن‌ها بر حکمرانی اقتصادی بین‌المللی ایران تبیین شده است.

**کلیدواژه‌ها:** دیپلماسی اقتصادی، تحلیل سلسله مراتبی فازی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تعرفه‌های ترجیحی، شرکت‌های چندملیتی.

### طبقه‌بندی JEL: F59-F21

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۳ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۰/۱۱/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۸

فصلنامه راهبرد اقتصادی، سال ۱۱، شماره ۲، پیاپی ۴۱، شهریور ۱۴۰۱، صص ۱۴۵-۱۵۲

## مقدمه

حکمرانی اقتصادی یک متغیر کیفی است که یا از طریق پیامدهای آن یا از طریق علل آن قابل تحلیل است حال آن که سیاست‌گذار و برنامه‌ریز، نیاز به اطلاعات کمی دارد تا میزان اثربخشی اقدامات خود از یک سو و تحلیل بازه زمانی اثربخشی را از سوی دیگر بداند. دیپلماسی اقتصادی به عنوان وجه نرم حکمرانی اقتصادی از فرآیندها، نظام‌های حقوقی، بازیگران ملی و منطقه‌ای و جهانی و نیز هنجارهای ارزش‌های غیر اقتصادی تشکیل شده است. در واقع دیپلماسی اقتصادی وسیله‌ای برای تحقق هدف حکمرانی اقتصادی بین‌المللی است. در این بین تشخیص اولویت‌های اقدام برای دولتمردان از اهمیت بالایی برخوردار است.

بدین منظور در این پژوهش ابتدا سعی شده با مروری بر مطالعات انجام شده، نگاهی دقیق‌تر به مفهوم حکمرانی اقتصادی کرده و سپس گستره‌ای از متغیرها را شناسایی و تعریف نماید. در گام بعد با روش تحلیل سلسله مراتبی فازی این متغیرها را سنجش‌پذیر نماید. این کار کمک می‌کند که خبرگان این حوزه در یک فرآیند دقیق و بدون قضاوت از نتیجه کار و فارغ از علاقه‌ها، شاخص‌ها را رتبه‌بندی نمایند. این رتبه‌بندی در نهایت تبدیل به ضرایب کمی شده که امکان سنجش را فراهم می‌آورد.

## ۱. ادبیات نظری و پیشینه موضوع

### ۱-۱. ادبیات نظری حکمرانی اقتصادی بین‌المللی

تئودور اچ کوهن<sup>۱</sup> در کتاب «اقتصاد سیاسی جهانی»، اقتصاد سیاسی بین‌الملل را به عنوان رشته‌ای پژوهشی که بین حوزه‌های سیاست و اقتصاد پل می‌زند و به تعامل "دولت" و "بازار" می‌پردازد، معرفی می‌کند. در این تعریف دولت به پیگیری سیاسی قدرت و بازار به پیگیری اقتصادی ثروت مشغول است (کوهن، ۱۳۹۲).

در واقع یک تنش ذاتی میان دولت و بازار وجود دارد بدین ترتیب که در حالی که دولت‌ها برای حفظ جایگاه خود به دنبال اعمال حاکمیت و اتحاد ملی هستند،

---

۱. Theodore H. Cohn

بازار در پی آزادسازی اقتصادی و عبور از مرزهای جغرافیایی و رفع موانع دولت است. تعامل و کنش متقابل این دو در عرصه‌های مختلف با نتایج متفاوتی همراه است. علاوه بر این هر دو نهاد برای پیشبرد اهداف خود از برنامه‌های مکمل نیز استفاده می‌کنند. نهادهای بین‌المللی، بازیگران جدید این تعامل هستند و غالباً نوعی راه‌حل سوم را پیش روی این تعارضات قرار می‌دهند.

### در حوزه حکمرانی اقتصاد بین‌المللی شش دیدگاه اصلی وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱- **نظریه قدرت‌های هژمونیک:** نظریه ثبات قدرت برتر یا هژمون بیان می‌کند که زمانی که سیستم اقتصاد بین‌المللی یک قدرت مسلط یا دولت مسلط داشته باشد باثبات خواهد بود. این نظریه نقش محوری را به دولت‌ها می‌سپارد و نهادهای بین‌المللی را ابزاری برای تثبیت و مشروعیت‌بخشی به قدرت دولت‌های ملی هژمونیک می‌داند. دیدگاه‌های اجتماعی تر این نظریه، جامعه مدنی را در چارچوب تضمین کننده جنبه‌های اجتماعی قدرت هژمونیک به رسمیت می‌شناسد.

۲- **نظریه نهادگرایی نئولیبرال<sup>۱</sup>:** این نظریه ادعان دارد که دولت‌ها با ایجاد نهادهای بین‌المللی تلاش می‌کنند مسائلی را که به تنهایی قادر به حل آن نیستند مدیریت کنند. ویژگی مهم این دیدگاه دولت‌پایه بودن نهادهای جهانی است. به عبارت دیگر نهادگرایان نئولیبرال تنها آن دسته از نهادهای بین‌المللی را مؤثر می‌دانند که با حضور دولت‌ها ایجاد شده است. طبیعتاً ارزش و اهمیت هر نهاد نیز بسته به حضور بیشتر و پررنگ تر کشورهای قدرتمند است. از دیدگاه نهادگرایان نئولیبرال، حکمرانی اقتصاد جهانی، برآیند تعامل دولت‌ها و در مرحله بعد نهادهای بین‌الدولی است.

۳- **نظریه رژیم:** با افزایش وابستگی متقابل، دولت‌ها تعدادی اصول و رویه‌ها و مقررات جهت تنظیم رفتارهای یکدیگر را پی‌ریزی می‌نمایند. بنابراین رژیم‌ها عبارت‌اند از: مجموعه اصول، رویه‌ها و قواعد تصمیم‌گیری ضمنی یا صریح که انتظارات فعالان در زمینه‌ای از روابط بین‌المللی را حول چنین محورهایی هم‌گرا نموده است (همان).

۴- **نظریه فراحکومت‌گرایی:** فراحکومت‌گرایان، کارکردهای حکمرانی دولت را

---

۱. Neo Liberal Institutional

تقسیم‌پذیر می‌دانسته و معتقدند باید این کارکردها را بین نهادهای بین‌حکومتی<sup>۱</sup> یا شبکه‌های فعال در موضوعات سیاسی خاص واگذار کرد (Slaughter, 2004). از نظر فراحکومت‌گرایان دنیای امروز بیش از پیش پیچیده و در هم تنیده شده است و مدیریت آن نیازمند وجود شبکه‌های ملی از کارشناسان فنی و مدیران تجاری و حقوق‌دانان است. از سوی دیگر وجود چنین شبکه‌هایی می‌تواند منجر به جهش بزرگ از ساز و کارهای فراحکومتی در حوزه‌های سیاسی خاص به سمت حکمرانی بین‌المللی شود.

۵- پسادولت یا قرون وسطی‌گرایی جدید: بنا بر فرضیه نظریه دوران پسادولتی یا به تعبیر گیلپین<sup>۲</sup> قرون وسطی‌گرایی جدید،<sup>۳</sup> جهان در حال تجربه پایان عصر حاکمیت ملی است (Bull, 1977).

پسادولت‌گرایان معتقدند مفهوم حاکمیت ملی که بیش از ۳۵۰ سال بر کشورداری بین‌المللی حاکم بوده است بر اثر تحولات داخلی و خارجی در حال فروپاشی است. دولت‌ها در نتیجه منازعات منطقه‌ای و قومی در حال تجزیه به دولت‌های کوچک هستند و هم‌زمان با ظهور بازیگران غیر دولتی و فراملی، مانند شرکت‌های چند ملیتی، سازمان‌های بین‌المللی و به ویژه سازمان‌های غیر دولتی تحت تأثیر این کنش‌گران، به حاشیه رانده می‌شوند (Krasner, 1999). در جدول شماره ۱ بطور اجمالی دیدگاه‌های مختلف در حوزه اقتصاد سیاسی بین‌الملل ارائه شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

---

۱. Intergovernmental Bodies

۲ Robert Gilpin (1930-2018)

۳ گیلپین از دو جهت دوران بدون دولت‌های محلی را قرون وسطی‌گرایی جدید می‌نامد. از نظر او دوران قرون وسطی دارای یک آریستوکراسی مشترک از دیده‌ها و هنجارها و ارزش‌های واحد مورد پذیرش تمام اروپا بود. ساختار فئودالیسم کلیسا و حاکمان در تمام اروپا وجود داشت و تقریباً اروپا یک واحد اجتماعی یک پارچه به شمار می‌رفت. همچنین ویژگی دیگر این دوره تمرکز پراکنده و شکننده قدرت اقتصادی و سیاسی بود. بنابراین از نظر گیلپین، دوران جدید نوعی قرون وسطی به شمار می‌رود.

## جدول (۱): طیف دیدگاه‌های نظری در مورد حکمرانی اقتصادی بین‌المللی

عبور از دولت‌ها دولتمحوری

نظریه هژمونی	هژمونی گرامسی	نهادگرایی نئولیبرال	نظریه رژیم	فراحکومت‌گرایی	پسا دولتی
دولت مسلط جهانی قدرت مسلط کنترل سایر کشورها مدیریت اقتصاد جهانی بر اساس منافع دولت مسلط	گسترش مفهوم هژمونی به حوزه فرهنگ و دانشگاه	دولت-بازار محور نهادهای جهانی با حضور دولت‌ها حکمرانی جهانی یعنی تعامل دولت‌ها و نهادهای بین‌الدولی	مجموعه اصول، رویه‌ها و قواعد تصمیم‌گیری حکمرانی جهانی از طریق رژیم‌های جهانی و در مرحله بعد نهادهای بین‌المللی و در نهایت دولت‌های ملی	تفکیک حکومت و حکمرانی نگاه تکنوکراتی و نهادهای منطقه‌ای و تخصصی حکمرانی از طریق شبکه‌های فراملی از کارشناسان، مدیران و حقوق دانان	ظهور بازیگران غیردولتی و فراملی از جمله NGOها و شرکت‌های چند ملیتی حکمرانی از طریق مشارکت افراد و گروه‌های مختلف جهانی

برای مفهوم حکمرانی اقتصادی بین‌المللی تعاریف زیادی ارائه شده است که به اختصار آن‌ها را مرور می‌کنیم. بارنت و داوال<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) معتقدند افزایش ارتباط بین دولت‌ها و ملت‌ها نیاز به حکمرانی و قاعده‌سازی در سطح جهانی را به جود می‌آورد. بر این اساس دولت‌ها و ملت‌ها فقط با حکمرانی جهانی و در یک فضای عاری از خشونت و افزایش منافع و ارزش‌های مشترک قادر خواهند بود تا در زمینه‌های اقتصادی، محیط‌زیست، امنیت و سیاسی و حل و فصل مناقشات فعال و مؤثر باشند.

سیمایی<sup>۲</sup> (۱۹۹۴) حکمرانی جهانی را چنین تعریف می‌کند:

« بهره‌مندی از راه‌های متفاوت و پیچیده‌ای که از طریق آن‌ها بازیگران ملی و بین‌المللی به فهم و ارائه راه‌حل برای مسائل می‌رسند که باید به‌طور دسته‌جمعی حل شوند تا به اهداف خود دست یابند».

لارنس فینکل اشتاین<sup>۳</sup> (۱۹۹۵) حکمرانی جهانی را چنین تعیین می‌کند:

«حکمرانی جهانی، حکمرانی بدون وجود اقتدار مسلط در روابطی است که از مرزهای ملی فراتر می‌رود. حکمرانی جهانی همان کاری را در سطح بین‌المللی انجام می‌دهد که حکومت‌ها در کشور خود انجام می‌دهند».

ویز و تاکور<sup>۱</sup> نیز در تعریف خود از حکمرانی جهانی می‌گوید: حکمرانی جهانی

۱. Michael Barnett & Raymond Davall

۲. Mihaly Simai

۳. Lawrence Finkelstein

کوشش‌های دست‌جمعی برای مشخص کردن، فهمیدن یا برخورد کردن با مسائل جهان است که از ظرفیت کشورها فراتر است و به تنهایی نمی‌توانستند آن‌ها را حل کنند. ابزار دست‌یابی به حکمرانی جهانی هم‌چنین شامل فعالیت‌های سازمان ملل و دیگر سازمان‌های بین‌دولتی و ترتیبات همکاری پایدار بین دولت‌ها می‌شود (Thomas & Thakur, 2010).

سازمان امنیت ملی آمریکا در گزارش بررسی حکمرانی جهانی در سال ۲۰۲۵ این مفهوم را چنین تعریف می‌کند: «مدیریت اشتراکی مشکلات عمومی در سطح بین‌المللی» (گزارش سازمان امنیت ملی آمریکا، ۲۰۱۰).

حکمرانی جهانی نتایج فرآیند جهانی‌شدن است که به تعبیری حکمرانی بدون حکومت مرکزی واحد و مستقل امور جهانی است. حکمرانی جهانی سه ویژگی دارد: افزایش روش‌های تصمیم‌گیری و نهادسازی بین‌المللی در زمینه‌های مختلف فنی و اجرایی سازوکاری تحمیل مقررات بین‌المللی نقش‌آفرینی فزاینده بازیگران غیردولتی و زیردولتی (Nowrot, 2004).

تعریف کمیسیون حکمرانی جهانی از این مفهوم عبارت است از:

«حاکمیت مجموعه‌ای از روش‌های متنوع فردی و نهادی، عمومی و خصوصی است که خواسته‌ها و پیشنهادات متداول خود را مدیریت می‌کنند. این عمل یک فرآیند مداوم است که منافع و انگیزه‌های متضاد و متنوع را با هم جمع و سازگار کرده و یک اقدام مشارکتی اتفاق می‌افتد. حاکمیت جهانی شامل نهادها و رژیم‌های رسمی برای تحقق اجماع نظر است هم‌چنانکه در برگیرنده ترتیبات غیر رسمی است که افراد یا با آن‌ها موافق‌اند یا از طریق آن‌ها منافع خود را دنبال می‌کنند (کمیسیون حکمرانی جهانی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵).

ویر و ماچلا<sup>۳</sup> حکمرانی اقتصاد جهانی را چنین تعریف می‌کنند:

«ساختار مبتنی بر قواعد بین‌المللی که در آن بازیگران اقتصادی (اعم از دولت‌ها، بنگاه‌ها، نهادهای رسمی و گروه‌های سازمان‌یافته) در پی حل مشکلات همگانی هستند و در ضمن تضمین‌کننده هماهنگی‌های فرامرزی و همکاری‌های جهانی در حوزه تهیه و تبادل کالاها، پول، خدمات، توان فنی در چارچوب موضوعات اقتصادی جهانی نیز می‌باشند» (Weaver & Moschella, 2014).

۱. Tomas G. Weiss & Ramesh Thakur

۲. Commission on Global Governance

۳. Manuela Moschella and Catherina Weaver

دینی ترکمانی استادیار مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی نیز حکمرانی جهانی را چنین تعریف می‌کند:

«نظام حکمرانی جهانی به مجموعه قواعد و حقوق بین‌الملل و نهادهای اقتصادی سیاسی و فرهنگی دلالت دارد که نظم امنیتی و اقتصادی جهان از طریق آن‌ها اعمال می‌شود» (دینی ترکمانی، ۱۳۹۱).

۶- **بازیگران حکمرانی بین‌المللی اقتصاد:** طبق تعاریفی که ارائه شد بازیگران متعددی در حوزه حکمرانی اقتصاد جهانی نقش آفرین هستند. در اغلب تعاریف، دولت‌ها همچنان به عنوان یک عنصر غیر قابل انکار در تعاملات اقتصاد جهانی به شمار می‌روند. رئالیست‌های اقتصاد سیاسی جهانی، نظام بین‌الملل را آنارشیک و فاقد اقتدار مرکزی می‌دانند و در این فضا دولت‌ها مهم‌ترین بازیگران نظام بین‌المللی هستند (گیلپین، ۱۳۷۸).

علاوه بر دولت‌ها، سازمان‌های رسمی اقتصاد جهانی نیز به عنوان بازیگران مؤثر این میدان شناخته می‌شوند. پس از جنگ جهانی دوم در کنفرانس برتن وودز<sup>۱</sup> قدرت‌های بزرگ بر سر یک چارچوب نهادی دائمی توافق کردند. صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و اندکی بعدتر گات نهادی دائمی برای تنظیم روابط اقتصادی در حوزه مسائل ارزی، تسویه و غرامت‌های بازسازی و تجارت جهانی به شمار می‌روند. گات (توافق‌نامه عمومی تعرفه و تجارت) در سال ۱۹۹۵ مبنای تشکیل سازمان جهانی تجارت شد. این سه سازمان (که از آن‌ها سازمان‌های کلیدی جهانی نیز یاد می‌شود) نقش مرکزی در روابط بین‌المللی مالی، تجاری و پولی دارند (Jacobson & Oks, 1990).

بر اساس معیارهای اقتصادی لیبرال، سازمان‌های رسمی اقتصاد جهانی در بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ کاملاً در پیشبرد آزادسازی، رشد و ثبات اقتصادی موفق بوده‌اند (اینچنگرین<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴).

برخی از نظریه‌پردازان شرکت‌های چند ملیتی را نیز به جمع این بازیگران افزوده‌اند. اهمیت نفوذ شرکت‌های چند ملیتی یکی از ویژگی‌های کلیدی جهانی شدن اقتصاد جهان است (Ostry, 1997).

برخی معتقدند این شرکت‌ها از اقتصاد کشور خود گسسته‌اند و به یک نیروی مستقل قدرتمند در تعیین امور اقتصادی و سیاسی در عرصه بین‌الملل تبدیل

۱. Bretton Woods Conference 1944

۲. Einchengren



شده‌اند. چنین شرکت‌هایی اغلب از راه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از مرزهای خود گسترش می‌یابند. هدف از سرمایه‌گذاری خارجی عبارت است از دستیابی کامل و یا ناقص به کنترل حوزه‌های بازاریابی، تولید و تسهیلات دیگر در یک اقتصاد دیگر. گرچه این شرکت‌ها سابقه طولانی دارند اما حضور آن‌ها در ادبیات اقتصاد سیاسی بین‌الملل در اواخر قرن بیستم پررنگ‌تر شده است.

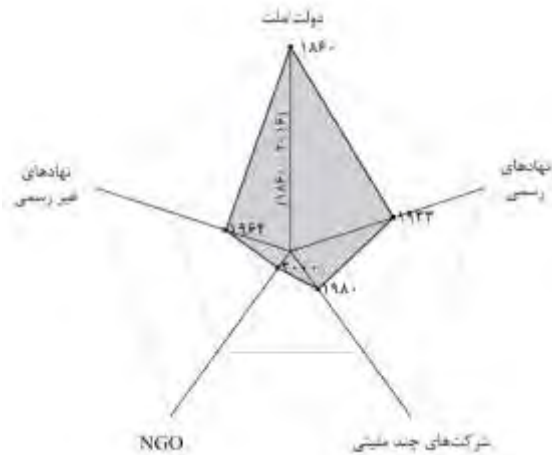
افزون بر این سه عنصر اصلی، دو عنصر دیگر نیز (گرچه با تأکید کمتر) در برخی دیدگاه‌ها مطرح هستند. سازمان‌های منطقه‌ای، تخصصی و یا غیر رسمی اقتصادی یکی از این عناصر هستند. این سازمان‌ها علاوه بر این که پل عبور از ناسیونالیسم به سمت جهانی شدن برای بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه هستند، نقش تنظیم کننده و تعیین کننده روابط اقتصادی بلوک‌های مختلف جهان را نیز به عهده دارند. این گونه سازمان‌ها غالباً با توافق و اتحاد چند کشور پیرامون یک مسئله خاص منطقه‌ای و جهانی تشکیل می‌شوند و از طریق اقدامات رسمی و علنی همراه با اقدامات غیر علنی و مخفیانه منافع کشورهای متحد را در مسئله مذکور دنبال و تأمین می‌کنند (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۱).

سازمان‌های غیر رسمی از حیث کارکرد و تخصص‌گرایی قابل تقسیم‌بندی هستند. هم‌چنین موقعیت جغرافیایی و شرایط ژئواکومونیک نیز در شکل‌گیری سرنوشت این نهادها مؤثر است.

آخرین بازیگری که باید به این مجموعه افزود، مردم و نهادهای مردم هستند. سهم بخش غیر دولتی در اقتصادهای جهانی در حال افزایش است و بسیاری از سازمان‌های مردم‌نهاد در جهت تکمیل نواقص رفتار دولت‌ها عمل می‌کنند. امروزه فعالیت‌های مردمی بخش قابل توجهی از موارد شکست بازار و قصور دولت‌ها را پوشش می‌دهند. بسیاری از این نهادها توانسته‌اند با ایجاد ساز و کارهای مناسب مسائل مهم جهان از جمله محیط‌زیست و سلامت افراد را حل کنند و دولت‌ها را وادار به شمارش قواعد خود کنند. در بسیاری از کشورها جنبش‌های مردمی پایه اصلی تحولات به شمار می‌روند. دبیر کل سازمان در کنفرانس سالانه NGOها در سال ۲۰۰۰، سازمان‌های مردم‌نهاد را بهترین دفاع در مقابل بی‌توجهی‌ها، شجاع‌ترین مبارزان در راه صداقت و سرسخت‌ترین تلاشگران در راه تغییر و تحول معرفی می‌کند و نتیجه می‌گیرد که دولت‌ها خود را برای پذیرش این نهاد جدید باید آماده کنند (گزارش نهایی اجلاس توسعه هزاره، ۲۰۰۰).

شکل شماره (۱) الماس نامتقارن حکمرانی جهانی اقتصاد است که بر اساس

قدمت حضور بازیگران طراحی شده است:



شکل (۱): الماس نامتقارن بازیگران حکمرانی اقتصادی بین‌المللی - بر مبنای قدمت بازیگران

دیپلماسی اقتصادی، در واقع ابزاری برای تقویت حکمرانی اقتصادی کشورها در عرصه بین‌المللی است. از مجموعه مطالعات انجام شده می‌توان نتیجه گرفت که حوزه عمل دیپلماسی اقتصادی تنها دولت‌ها نیستند بلکه باید متناسب با همه بازیگران این عرصه، برنامه و اقدام داشت. سؤالی که در ادامه به آن پاسخ داده می‌شود، نظام اولویت‌بندی اقدامات متناسب با بازیگران متعدد و مسائل متنوع است.

## ۲-۱. پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر نسبت به مطالعات انجام شده، از دو جهت دارای نوآوری است: نوآوری اول در تبدیل کردن مفهوم حکمرانی اقتصادی بین‌المللی به یک مفهوم سنجش پذیر است. تبدیل متغیر کیفی و موهومی که در اقتصاد به آن‌ها متغیرهای دامی گفته می‌شود به متغیرهای کمی و سنجش پذیر، یکی از مهم‌ترین اقدامات اقتصاددانان است. در این مطالعه حکمرانی اقتصادی بین‌المللی که غالباً توصیف و توضیح داده می‌شد به یک متغیر شاخص‌پذیر با ضرایب اثرگذار تبدیل شده است. این کار می‌تواند به برنامه‌ریز و سیاست‌گذار نشان دهد که اقدامات آن، چه تأثیری بر حکمرانی اقتصادی کشور در عرصه بین‌المللی دارد.

نوآوری دوم در ارائه نظام اولویت‌بندی و اقدام در عرصه دیپلماسی اقتصادی

است. این روزها استفاده بهینه از ظرفیت دیپلماسی اقتصادی در بیان مسئولین و گزارش‌های کارشناسی، مکرر بیان شده است اما این حوزه تبدیل به یک مدل با اولویت‌های کمی نشده است. این پژوهش نشان می‌دهد که اولویت‌ها در دیپلماسی اقتصادی با توجه به بازیگران عمده اقتصاد بین‌الملل چیست و هر کدام چه میزان تأثیرگذار هستند.

با توجه به تعدد مقالات در این حوزه به اختصار تنها برخی از موارد مطرح در این حوزه در جدول شماره (۲) ارائه شده است:

### جدول (۲): مقالات نگاشته شده در این حوزه

نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان	اهداف و یا سؤالات اصلی	روش استفاده شده	مهم‌ترین یافته‌ها
حافظ نیا و همکاران (۱۳۸۵)	طراحی مدل سنجش قدرت ملی کشورها به سنجش و اندازه‌گیری قدرت ملی کشورها	نویسندگان با ارائه مدلی چندوجهی از ابعاد قدرت ملی که شامل نه فاکتور اقتصادی، سیاسی، نظامی، فضایی، فرامرزی، سرزمینی، اجتماعی، علمی، فناوری و فرهنگی و با پردازش ۸۷ شاخص متناسب با متغیرهای فوق به شناسایی قدرت‌های جهانی پرداخته است.	تحلیل آماری و جمع‌آوری اطلاعات به روش دلفی	در مرحله نهایی شاخص‌های استاندارد شده جمع‌بندی می‌شود و میزان امتیاز بدست آمده برای هر کشور قدرت آن کشور را مشخص می‌کند.
عباسی و کیانی (۱۳۹۱)	حکمرانی جهانی و حقوق جهانی؛ «گذار از حقوق بین‌الملل دولت‌محور در عصر جهانی شدن»	این مقاله با رویکردی حقوقی به موضوع حکمرانی جهانی پرداخته است. نویسندگان این مقاله به پیمان‌نامه‌های بین‌المللی خصوصاً معاهدات، قطع‌نامه‌ها و منشور سازمان ملل متحد توجه دارند.	توصیفی تحلیلی	نویسندگان این مقاله معتقدند با شکل گرفتن جامعه جهانی، حکومتی جهانی نیز به صورت جنین و غیر منسجم در حال ظهور است که بالطبع به ایجاد و گسترش نظام حقوقی مطلوب خود می‌پردازد.
ترکمانی (۱۳۹۱)	چشم‌انداز نظام اقتصاد بین‌الملل: رویکرد آینده‌پژوهی	این مقاله دو شاخص NPI و مدل حافظ‌نیا را برای ارزیابی نظام اقتصاد بین‌الملل مورد بررسی قرار می‌دهد و چشم‌انداز نظام‌های مالی، تجاری و صنعتی جهانی را مورد بررسی قرار می‌دهد.	تحلیلی توصیفی	نویسنده معتقد است جایجایی در قدرت به علاوه بحران بزرگ مالی در سال ۲۰۰۸ موجب تحولاتی مهم در اقتصاد بین‌الملل از جمله نظام تسویه حساب‌های بین‌المللی و جایگزینی ذخیره جهانی جدیدی به جای دلار و همین‌طور تغییر نظام حکمرانی جهانی خواهد شد.
زرقانی (۱۳۹۱)	سنجش قدرت ملی در جهان اسلام	سنجش قدرت ملی کشورهای اسلامی بر اساس معیار ترکیبی مدل سنجش قدرت ملی مبتنی بر	دلفی	این مقاله کشورهای مورد بررسی را به سه سطح از قدرت تقسیم نموده و اختلاف

نویسندگان(سال پژوهش)	عنوان	اهداف و یا سؤالات اصلی	روش استفاده شده	مهم‌ترین یافته‌ها
		۹ متغیر اقتصادی، سیاسی، نظامی، فضایی، سرزمینی، فرامرزی، اجتماعی، علمی، فناوری و فرهنگی و با بررسی ۸۷ شاخص متناسب با این عوامل		کشورهای جهان اسلام در شاخص‌های مذکور را تبیین نموده است.
رنجبر و همکاران (۱۳۹۱)	حکمرانی جهانی: مؤلفه‌ها و ابزارها	این مقاله ضمن بررسی سیر تاریخی مفهوم و مدل حکمرانی جهانی قائل به شکل‌گیری مدلی چندوجهی از حکمرانی جهانی است. حکمرانی جهانی فعلی مشارکت کنترل‌شده است	تحلیلی و توصیفی	سه حوزه قدرت به عنوان عوامل ایجاد کننده حکمرانی بین‌المللی عبارت‌اند از قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی و نظامی، و قدرت ایدئولوژیک. سه دسته ابزار کلی شامل سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، رسانه‌های ارتباط جمعی و متغیرهای ژئوپلیتیک برای اعمال حکمرانی
دهشیری (۱۳۹۳)	جهانی شدن و نظام بین‌الملل	هسته مرکزی این مقاله در برشمردن بازیگران جدید و توجه به ساختار چندوجهی حکمرانی جهانی است. همچنین در این مقاله به فرآیند افقی و از بالا به پایین تصمیم‌گیری‌های جهانی نیز تبیین شده است.	تحلیلی و کیفی	این مقاله که از دیدگاه سیاسی به موضوع حکمرانی جهانی پرداخته در پایان ضمن معرفی نظام شبکه‌ای تصمیم‌گیری جهانی بازیگران جدید این عرصه را و فرآیند تصمیم‌گیری را معرفی می‌کند.
فاخری (۱۳۹۳)	بازیگران ملی و فراملی در روند جهانی شدن	نویسنده در این مقاله به دنبال تعریف بازیگران مختلف حکمرانی اقتصادی جهانی است.	تحلیلی و کیفی	در کنار دولت‌ها به عنوان مهم‌ترین بازیگر نهادها و سازمان‌هایی ظاهر شده‌اند که نظام بین‌الملل را تحت تأثیر قرار می‌دهند. فاخری به دولت‌ها توصیه می‌کند که در راستای منافع ملی‌شان مناسبات خود را با دیگر بازیگران جهانی‌شدن، تنظیم کنند.
دنی رودریک <sup>۱</sup> (۲۰۰۱)	حکمرانی جهانی تجارت	نویسنده مقاله معتقد است هدف نهایی سازمان تجارت جهانی بالا بردن استانداردهای زندگی و افزایش سطح تجارت جهانی در تمامی جهان است.	توصیفی تحلیلی	نویسنده معتقد است کشورهای در حال توسعه زمانی که با نابرابری‌های تجاری مانند (نظام تعرفه‌ای صنعتی، کشاورزی و مالیاتی) مواجه می‌شوند کمترین تغییر را در رفتار خود ایجاد می‌کند.
انجایر وودز <sup>۱</sup> (۲۰۱۳)	حکمرانی اقتصادی	نویسنده معتقد است که بی‌ثبات	توصیفی	وودز در پایان مقاله مدل نوین

نویسندگان(سال پژوهش)	عنوان	اهداف و یا سؤالات اصلی	روش استفاده شده	مهم‌ترین یافته‌ها
	جهانی پس از بحران ۲۰۰۸: مدل اجرایی نوین برای تجدید ساختار حکمرانی اقتصادی جهانی	بازارهای مالی یکی از مهم‌ترین شکست‌های نظام حکمرانی اقتصادی حاکم است. این مقاله معتقد است نهادهای جهانی موجود خصوصاً هیئت ثبات مالی ۲ (FSB) باید تجدید ساختار و تقویت شوند تا از بروز بحران‌های مالی جلوگیری کنند.	تحلیلی	خود را برای تجدید ساختار حکمرانی اقتصادی جهانی برای نقش‌آفرینی مؤثر بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و هیئت ثبات مالی چنین برمی‌شمارد.
ماچلا مانول و ویر کاترینا <sup>۳</sup> (۲۰۱۴)	کتاب: راهنمای حکمرانی اقتصاد جهانی	این کتاب به نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان تجارت جهانی، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول پرداخته و نقش آن‌ها را در حل مسائل اقتصاد جهانی بررسی کرده است.	توصیفی	گردآورندگان کتاب معتقدند بازیگران اصلی در حوزه حکمرانی اقتصاد جهانی شامل کشورها، بنگاه‌ها، نهادهای رسمی و گروه‌های سازمان‌یافته و سازمان‌های مردم‌نهاد هستند.
سازمان امنیت ملی آمریکا ۲۰۱۰	حکمرانی جهانی ۲۰۲۵: مقطع حساس	پیش‌بینی آینده حکمرانی اقتصادی جهانی با توجه به تهدیدات موجود	توصیفی	ارائه چهار سناریو: ۱. نگاه‌داشتن شرایط موجود به شکل شناور ۲. چند پارگی جامعه جهانی و ظهور قدرت‌های منطقه‌ای ۳. عبور از تجربه اتحادیه اروپا و تشکیل جامعه جهانی ۴. تعارض بازیکنان در همکاری و شکست فرآیند جهانی شدن
سازمان ملل متحد ۲۰۱۵	گزارش برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد	سنجش شاخص قدرت ملی با چهار شاخص: متغیر تولید ناخالص ملی کشورها، هزینه‌های دفاعی، جمعیت و تکنولوژی	روش تبدیلی و وزن دهی به شاخص‌های چهارگانه	سنجش بلوک‌های کشورهای مختلف مشخص کردن سهم کشورها در مدیریت اقتصادی جهانی
بانک جهانی سال ۲۰۰۵	چهارمین گزارش: روش‌های حکمرانی: شاخص‌های حکمرانی در دوره زمانی ۱۹۹۶ تا	ارزیابی حکمرانی اقتصادی کشورها با شاخص‌های زیر: ۱. پاسخگویی و شفافیت ۲. بی‌ثباتی سیاسی و خشونت	روش تحلیلی توصیفی	تغییر کیفیت حکمرانی در طول زمان غیر قابل پیش‌بینی بودن آینده حکمرانی اقتصادی جهانی

۱. Ngaire Woods

۲ Financial Stability Board

۳ Manuela Moschella and Catherina Weaver

نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان	اهداف و یا سؤالات اصلی	روش استفاده شده	مهم‌ترین یافته‌ها
	۲۰۰۴	۳. اثرگذاری یا کارآمدی دولت‌ها ۴. کیفیت نظارتی ۵. نقش قانون در تصمیم‌گیری‌ها ۶. کنترل بحران‌ها		رابطه مثبت بین درآمد و حکمرانی

## ۲. روش تحقیق

روش کلی تحقیق، توصیفی-تحلیلی با استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری چندمتغیره (MCDM) و فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) در فضای فازی (توأم با عدم اطمینان) است. در این تحقیق دو گروه جامعه آماری مدنظر می‌باشد: گروه اول نخبگان و متخصصین در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و استراتژیک هستند که برای تعیین ضرایب اهمیت هر مؤلفه پاسخگوی جداول و ماتریس‌های ضریب اهمیت می‌باشند. گروه دیگر جامعه آماری در این تحقیق، کشورهای منطقه خلیج فارس هستند که برای سنجش و مقایسه وضعیت کشور با این جامعه نمونه مورد سنجش و پایش قرار می‌گیرند. شاخص‌ها و مؤلفه‌های شناسایی شده بر اساس مطالعات نظری در این کشورها محاسبه شده و در نهایت رتبه هر کشور نیز مشخص می‌گردد. مدل اصلی این تحقیق به شکل رابطه شماره (۱) است:

رابطه ۱:

$$GEG = \alpha_1 NEPI + \alpha_2 MNCI + \alpha_3 GOII + \alpha_4 GNOII + \alpha_5 NGOI$$

$\alpha_i$  = ضرایب بردارهای ویژه که خبرگان به روش تحلیل سلسله مراتبی با مقایسه دوجه دو متغیرهای اصلی تعیین می‌کنند.

$GEG$  = شاخص حکمرانی اقتصاد جهانی

$NEPI$  = بردار ویژه معرف قدرت اقتصادی کشورها.

$MNCI$  = بردار ویژه معرف سهم شرکت‌های چندملیتی در تولید ناخالص ملی کشورها و نیز سهم کشورها در سهام شرکت‌های چندملیتی

$GOII$  = بردار ویژه معرف سهم کشورها در مدیریت اقتصاد جهانی از طریق سهم در نهادهای مؤثر اقتصاد جهانی از جمله بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی

$GNOII$  = بردار ویژه معرف سهم کشورها در مدیریت اقتصاد جهانی از طریق حضور

در نهادهای منطقه‌ای رسمی اقتصاد جهانی

$NGOI$  = بردار ویژه معرف سهم سازمان‌های غیردولتی در اقتصاد کشورها و نیز  
برخورداری از سازمان‌های غیردولتی در سطح جهانی

اولویت‌بندی معیارها با تکنیک FAHP

چانگ<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۶ روشی بسیار ساده را برای بسط فرآیند تحلیل سلسله مراتبی به فضای فازی ارائه داد. اعداد مورد استفاده در این روش، اعداد مثلثی فازی هستند. این روش مبتنی بر میانگین حسابی نظرات خبرگان و روش نرمال‌سازی ساعتی است.

مراحل اجرای فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی با روش چانگ به صورت زیر است:

• ترسیم درخت سلسله‌مراتبی (شناسایی هدف، معیارها و زیرمعیارها)

• تشکیل ماتریس مقایسه‌های زوجی

• تجمیع دیدگاه خبرگان: برای تجمیع دیدگاه خبرگان بهتر است از میانگین هندسی هریک از سه عدد فازی مثلثی استفاده شود.

• نرمالایز کردن مجموع عناصر هر سطر: از روش نرمال کردن خطی مانند تکنیک بردار ویژه ساعتی استفاده می‌شود.

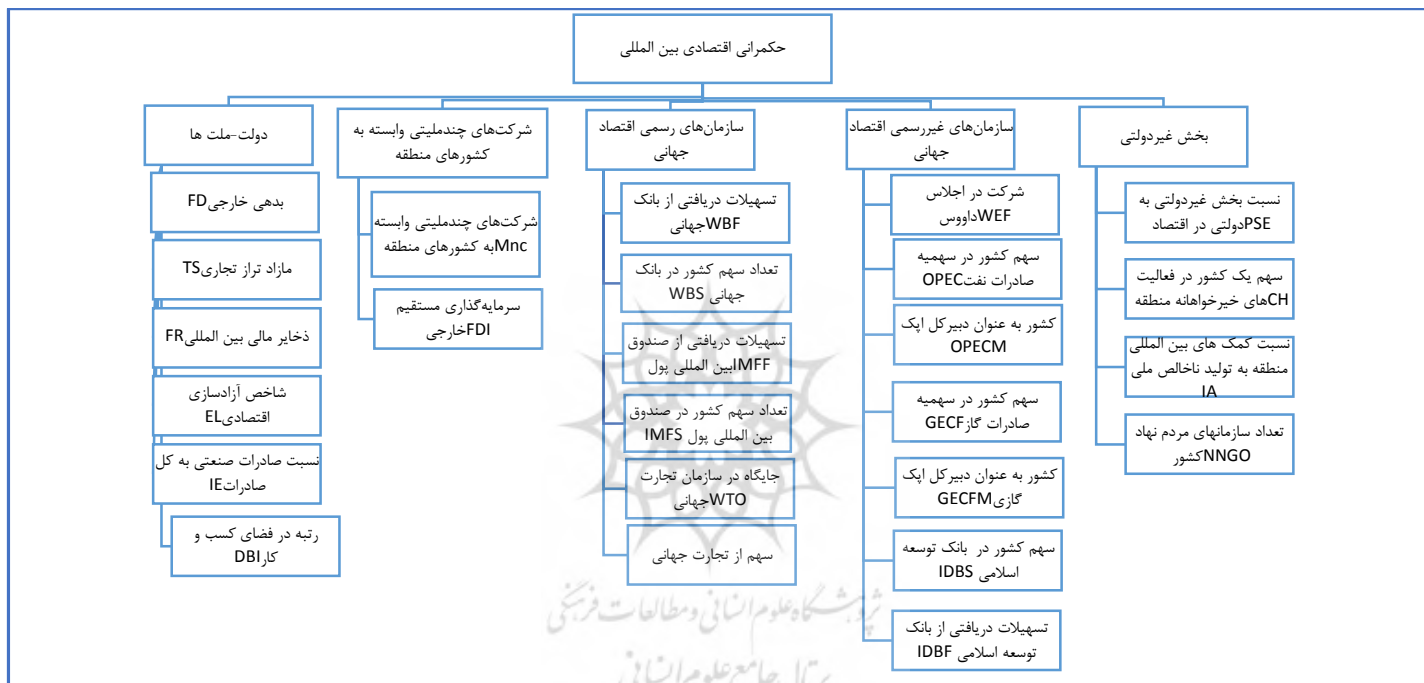
الگوی مورد استفاده در این تحقیق در یک نگاه کلی در شکل ۲ ارائه شده است. برای تعیین اولویت معیارهای اصلی از تکنیک فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی فازی (FAHP) استفاده شده است. روند تحلیل به صورت زیر است:

- مقایسه زوجی معیارهای اصلی بر اساس هدف و تعیین وزن معیارهای اصلی

- مقایسه زوجی زیرمعیارهای هر معیار و تعیین وزن زیرمعیارهای هر خوشه

- ضرب وزن زیرمعیارها در وزن معیار مربوط و تعیین وزن نهائی زیرمعیارها

خبرگان مورد پرسش در این پژوهش شامل نمایندگان مجلس شورای در کمیسیون‌های اقتصادی و برنامه و بودجه، کارشناسان معاونت ارزی بانک مرکزی، اعضای اتاق بازرگانی، مدیران ارشد اقتصادی وزارت امور خارجه و از اعضای تیم مذاکره کننده هسته‌ای، نماینده سابق ایران در اپک و اساتید دانشگاه بوده است.



شکل (۲): متغیرهای اصلی و زیرمتغیرهای فرعی الگوی حکمرانی اقتصادی بین المللی



نتایج نظرات خبرگان محاسبه و اوزان مربوط به شاخص‌های در جدول شماره ۳ آمده است:

جدول (۳): محاسبه و اوزان نتایج نظرات خبرگان

وزن نهایی	وزن اولیه	نماد	زیرمعیارها	وزن	معیارها
0.030	0.089	FD	بدهی خارجی	0.335	قدرت اقتصاد ملی
0.048	0.142	TS	مازاد تراز تجاری		
0.053	0.158	FR	ذخایر مالی بین‌المللی		
0.031	0.094	EL	شاخص آزادسازی اقتصادی		
0.033	0.098	IE	نسبت صادرات صنعتی به کل صادرات		
0.027	0.079	DBI	رتبه در فضای کسب و کار		
0.072	0.294	Mnc	شرکت‌های چندملیتی وابسته به کشورهای منطقه	0.246	شرکت‌های چندملیتی
0.17	0.706	FDI	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی		
۰,۰۲۱	۰,۱۰۷	WBF	تسهیلات دریافتی از WB	0.203	سازمان‌های رسمی اقتصاد جهانی
۰,۰۳۷	۰,۱۸۶	WBS	تعداد سهم کشور در WB		
۰,۰۱۹	۰,۰۹۴	IMFF	تسهیلات دریافتی از IMF		
۰,۰۳۷	۰,۱۸۶	IMFS	تعداد سهم کشور در IMF		
۰,۰۲۷	۰,۱۳۵	WTO	جایگاه در WTO		
۰,۰۵۹	۰,۲۹۲	WTS	سهم از تجارت جهانی		
0.014	0.098	WEF	شرکت و ایراد سخنرانی در WEF	0.139	سازمان‌های منطقه‌ای و غیررسمی
0.013	0.092	OPEC	سهم کشور در سهمیه صادرات نفت		
0.021	0.154	OPECM	کشور به عنوان دبیر کل اپک		
0.019	0.138	GEFCF	سهم کشور در سهمیه صادرات گاز		
0.015	0.109	GEFCFM	کشور به عنوان دبیر کل اپک گازی		
0.014	0.102	IDBS	سهم کشور در IDB		
0.013	0.091	IDBF	تسهیلات دریافتی از IDB		
0.040	0.523	PSE	نسبت بخش غیردولتی به دولتی	0.076	بخش غیردولتی
0.013	0.169	CH	سهم یک کشور در فعالیت‌های خیرخواهانه منطقه		

وزن نهایی	وزن اولیه	نماد	زیرمعیارها	وزن	معیارها
0.011	0.141	IA	نسبت کمک‌های بین‌المللی منطقه به تولید ناخالص ملی		
0.013	0.166	NNGO	تعداد سازمان‌های مردم‌نهاد کشور		

### ۳. یافته‌های تحقیق

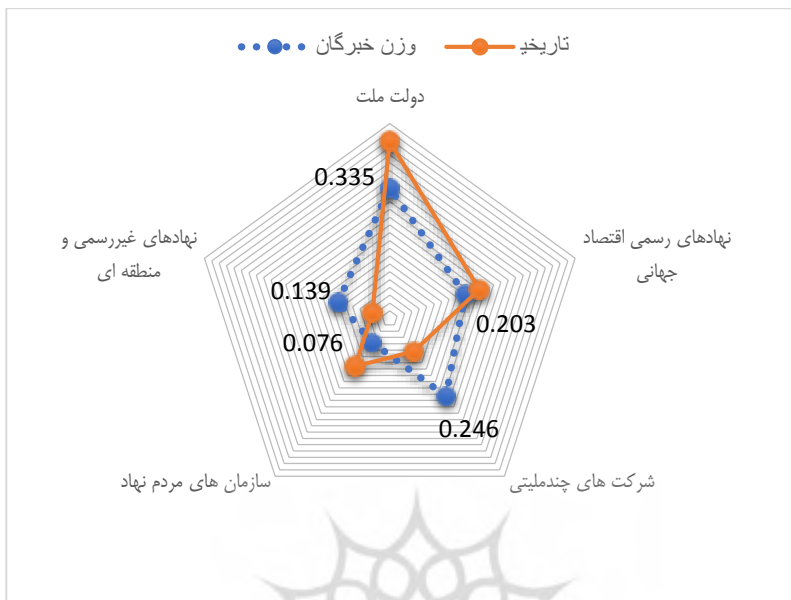
#### ۳-۱. یافته‌های توصیفی

نتایج نظرسنجی از خبرگان اقتصادی و سیاسی، در مورد پنج بازیگر اصلی حکمرانی اقتصادی نشان می‌دهد که علی‌رغم کاهش جایگاه دولت‌ها در اقتصاد بین‌الملل اما همچنان این بازیگر، نقش اول را در توزیع منافع اقتصادی دارد. برخلاف سابقه دیگر بازیگران این عرصه، شرکت‌های چندملیتی با اینکه سابقه کمی نسبت به دیگر بازیگران دارند اما از نظر اهمیت، دومین بازیگر اصلی در این حوزه هستند. شرکت‌های چندملیتی با دنبال کردن منافع اقتصادی از مرزهای سیاسی می‌گذرند و حتی باعث می‌شوند سیاست دولت‌ها تعدیل و اصلاح شود.

نهاد‌های رسمی اقتصاد جهانی به ویژه نهاد‌های وابسته به سازمان ملل، سومین بازیگر اقتصاد جهانی هستند. نهاد‌های منطقه‌ای در حکمرانی اقتصاد بین‌الملل، رتبه چهارم را کسب کرده‌اند. از منظر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی می‌توان چنین نتیجه گرفت که اولویت سیاست‌گذاری در تنظیم روابط با نهاد‌های اقتصاد جهانی است و نه نهاد‌های منطقه‌ای. به عبارت دیگر گرچه پیوستن به پیمان‌ها و بازارهای منطقه‌ای اهمیت بالایی دارد اما دیپلماسی اقتصادی فعال ابتدا باید برای حضور در معاهده‌های جهانی از جمله عضویت در سازمان تجارت جهانی برنامه‌ریزی نماید. برخلاف تمام تبلیغات سازمان ملل در خصوص اهمیت سازمان‌های مردم‌نهاد، این گروه از بازیگران در طول دوره فعالیت رسمی خود نتوانستند جایگاه مناسبی در اقتصاد بین‌الملل پیدا کنند.

شکل شماره ۳ با مقایسه قدمت هر کدام از بازیگران با ضرایب به دست آمده از مدل، تغییر جایگاه آن‌ها را در گذر زمان نشان می‌دهد. الماس نامتقارن زیر نشان می‌دهد در گذر زمان، نقش و جایگاه دولت-ملت‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد کاهش یافته، نقش سازمان‌های رسمی اقتصاد جهانی تقریباً ثابت و نقش نهاد‌های منطقه‌ای

و به ویژه شرکت‌های چندملیتی افزایش یافته است.



شکل (۳): مقایسه دیدگاه خبرگان با جایگاه تاریخی بازیگران اصلی حکمرانی اقتصاد بین‌المللی

مقایسه دیدگاه خبرگان با جایگاه تاریخی بازیگران اصلی حکمرانی اقتصاد بین‌المللی نشان می‌دهد که اگر در دیپلماسی اقتصادی، تسهیل فعالیت شرکت‌های چندملیتی و نیز حضور در پیمان‌های منطقه‌ای، نقش بسیار زیادی در بهبود جایگاه ایران در منطقه دارد. توجه به این نکته ضروری است که خبرگانی که پاسخ داده‌اند، مسئله تحریم را مدنظر داشته‌اند و با فرض وجود مانعی به نام تحریم، این نظام اولویت‌بندی را ارائه کرده‌اند.

### ۲-۳. یافته‌های تحلیلی

نتایج مدل نشان می‌دهد که جذب سرمایه خارجی باید مهم‌ترین اولویت دیپلماسی اقتصادی باشد. ضریب اهمیت سرمایه‌گذاری خارجی ۱۷,۴ درصد و شرکت‌های چندملیتی ۷,۲ درصد است. این دو متغیر با هم ۲۵ درصد تأثیرگذاری بر حکمرانی اقتصادی بین‌المللی دارند. به عبارت بهتر، تمرکز دولت بر این دو متغیر می‌تواند تأثیر بسیار زیادی بر تأمین منافع اقتصادی ایران داشته باشد.

دیپلماسی اقتصادی در کشور اغلب به حضور رایزنان بازرگانی در کشورهای مقصد و وضع تعرفه‌های ترجیحی در تجارت بین ایران و کشورها تعریف می‌شود اما واقعیت این است که خبرگان اقتصادی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی را مهم‌تر از تعرفه‌های ترجیحی می‌دانند. علاوه بر این در جذب سرمایه‌های خارجی، بیش از همه تعامل با شرکت‌های چندملیتی مهم است.

دیپلماسی اقتصادی کشور باید با هدف تسهیل فعالیت شرکت‌های چندملیتی در ایران باشد. دیدار دیپلمات‌های اقتصادی ایران با نمایندگان این شرکت‌ها از دیدار با وزرا و نمایندگان مجلس کشورهای مقصد مهم‌تر است. در مذاکرات خارجی در کنار کشف و ورود به بازارهای هدف، باید به دنبال جذب سرمایه‌گذار خارجی بود. در این حوزه از "مدل صحیح جذب سرمایه خارجی" باید استفاده کرد؛ مدلی مبتنی بر استفاده هوشمند از منافع سرمایه‌گذاری خارجی که در اولین گام، بخش‌های در معرض سرمایه‌گذاری خارجی را هوشمندانه انتخاب کند. به‌طور کلی هر چه سرمایه‌گذاری خارجی در زنجیره‌های اولیه تولید کالاها و خدمات، مانند اکتشاف یا استخراج مواد اولیه قرار گیرد سهم بیشتری از ارزش افزوده ایجاد شده نصیب شرکت خارجی می‌شود. در مقابل هر چه سرمایه‌گذاری خارجی به میزان بیشتری در زنجیره‌های پایانی تولید صورت گیرد بالطبع بخش‌های مکمل بیشتری درگیر تولید خواهد شد و اقتصاد داخلی استفاده بیشتری از سرمایه‌گذاری خارجی خواهد برد.

در گام دوم، سیاست‌گذاران باید از راهنمایی‌های تکنیکی قراردادهای شرکت‌های بین‌المللی بیشترین استفاده را ببرند به‌طوری‌که یادگیری از این قراردادها باعث شود تا محصولات برتر ایرانی بعدها در بازار سایر کشورها نفوذ کنند. در سومین گام، سیاست‌گذاران باید از فرصت نیروی کار خود استفاده کنند و سرمایه‌انسانی با کیفیت و بهره‌وری بالا را در تعامل با این تکنولوژی پیشرفته ارتقا دهند.

در گام چهارم، سیاست‌گذاران باید مدیریت پیشرفته را از طریق این قراردادها وارد فرآیند تولید و صادرات کنند. در نتیجه می‌بایست ابتدا در حوزه فعالیت شرکت‌های وارده، به بیشترین میزان اقتصاد داخلی، خود را مستقل و سپس با تمرکز بر ادامه این فعالیت‌ها در بازارهای جهانی نفوذ کرد.

گرچه تحریم یک مانع بسیار مهم برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی است اما حضور برخی شرکت‌های خارجی در ایران در سال‌های اخیر مانند پارس حیات ترکیه، شرکت بل فرانسه، شرکت JTI ژاپن و شرکت هایپرستار امارات نشان

می‌دهد که با ارائه الگوی صحیح سرمایه‌گذاری خارجی می‌توان حتی با وجود تحریم‌ها از این عامل به نفع اقتصاد کشور بهره برد.

پس از این دو، بالا بردن سهم کشور در تجارت منطقه حائز اهمیت است. استفاده از "الگوی صحیح توسعه صادرات" ضروری است. این مقوله نیز همانند معیار جذب سرمایه خارجی دارای یک مدل مبتنی بر مکانیزم های تعرفه‌ای، توافق‌نامه‌های تجاری، استفاده از ظرفیت مناطق آزاد، تعریف قواعد گمرکی متناسب با کشورهای هدف و به روزرسانی فرآیندهای اخذ مجوزهای تجاری است.

برای تحقق این هدف، توجه به بازار گسترده کشورهای همسایه مهم است. کشورهای منطقه غرب آسیا کشورهای ثروتمندی هستند که به جز انرژی در اغلب موارد واردکننده هستند و باید برای ورود به این بازارها برنامه‌ریزی و اقدام کرد. عضویت ایران در سازمان‌های منطقه‌ای با هدف حذف تعرفه‌های وارداتی در همین راستا ارزیابی می‌شود. به عنوان نمونه متأخر، عضویت ایران در سازمان همکاری اقتصادی شانگ‌های فرصت بسیار مناسبی برای اقتصاد ایران ایجاد کرده است. کشورهای عضو دائم و ناظر این سازمان در مجموع ۳۸ درصد انرژی جهان را تولید و معادل همین میزان مصرف می‌کنند. توافق‌های تجاری این سازمان در یک اتاق واحد به نام اتاق تسویه شانگ‌های جمع می‌شود و بدون اتکا به ارزهای خارجی با یکدیگر تسویه می‌شود. حضور ایران در این سازمان علاوه بر دسترسی به بازار بزرگ ۲ میلیارد و ۶۰۰ میلیون نفری، فرصت‌های ویژه‌ای برای ایران به همراه دارد. ایران مسیر ترانزیتی کشورهای شرقی به جنوب خاورمیانه و اروپا را تامین می‌کند و با توسعه کریدور بین‌المللی حمل‌ونقل شمال-جنوب، مسیر تجارت بین‌المللی و منطقه‌ای را تسهیل می‌کند. همچنین کشورهای پرجمعیتی چون هند و چین از فرصت حضور ایران در این سازمان برای تامین انرژی مورد نیاز خود میتوانند استفاده کنند. در مقابل، ایران نیز از ظرفیت‌های بزرگ این سازمان چه به لحاظ بازار مصرفی و چه به لحاظ مکانیزم‌های مالی می‌تواند برای خنثی‌سازی تحریم‌ها استفاده کند.

خبرگان اقتصادی، پنجمین اولویت سیاستگذاری کشور در عرصه بین‌الملل را مدیریت ذخایر ارزی کشور دانسته‌اند. ذخایر ارزی کشور به واسطه تحریم‌ها، از وضعیت مطلوبی برخوردار است اما استفاده مناسب از این ذخایر بیش از میزان و مقدار آن‌ها مهم است. به عبارت دیگر استراتژی غالب در مورد ذخایر ارزی انتقال آن‌ها و مدیریت پذیری آن‌ها است اما باید توجه داشت این ذخایر می‌تواند در تجارت خارجی پشتوانه خوبی بشمار رود.

**جدول (۴): اولویت‌های دیپلماسی اقتصادی را مشخص می‌کند.**

رتبه	وزن نهایی	نماد	زیرمعیارها
۱	۰,۱۷۴	FDI	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
۲	۰,۰۷۲	Mnc	شرکت‌های چندملیتی وابسته به کشورهای منطقه
۳	۰,۰۵۹۳	WTS	سهم از تجارت جهانی
۴	۰,۰۵۳	FR	ذخایر مالی بین‌المللی
۵	۰,۰۴۸	TS	مازاد تراز تجاری
۶	۰,۰۴۰	PSE	نسبت بخش غیردولتی به دولتی در اقتصاد
۷	۰,۰۳۷۶	WBS	تعداد سهم کشور در WB
۸	۰,۰۳۷۶	IMFS	تعداد سهم کشور در IMF
۹	۰,۰۳۳	IE	نسبت صادرات صنعتی به کل صادرات
۱۰	۰,۰۳۱	EL	شاخص آزادسازی اقتصادی
۱۱	۰,۰۳۰	FD	بدهی خارجی
۱۲	۰,۰۲۷۴	WTO	جایگاه در WTO
۱۳	۰,۰۲۷	DBI	رتبه در فضای کسب و کار
۱۴	۰,۰۲۱۷	WBF	تسهیلات دریافتی از WB
۱۵	۰,۰۲۱	OPECM	کشور به عنوان دبیرکل اپک
۱۶	۰,۰۱۹۱	IMFF	تسهیلات دریافتی از IMF
۱۷	۰,۰۱۹	GECF	سهم کشور در سهمیه صادرات گاز
۱۸	۰,۰۱۵	GECFM	کشور به عنوان دبیرکل اپک گازی
۱۹	۰,۰۱۴	WEF	شرکت و ایراد سخنرانی در WEF
۲۰	۰,۰۱۴	IDBS	سهم کشور در IDB
۲۱	۰,۰۱۳	OPEC	سهم کشور در سهمیه صادرات نفت
۲۲	۰,۰۱۳	IDBF	تسهیلات دریافتی از IDB
۲۳	۰,۰۱۳	CH	سهم یک کشور در فعالیت‌های خیرخواهانه منطقه
۲۴	۰,۰۱۳	NNGO	تعداد سازمان‌های مردم‌نهاد کشور
۲۵	۰,۰۱۱	IA	نسبت کمک‌های بین‌المللی منطقه به تولید ناخالص ملی

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

جمهوری اسلامی ایران در خلال سالهای بعد از انقلاب همواره در تحریم‌های بین‌المللی بوده است. تحریم‌هایی که به گفته برخی کارشناسان، بزرگترین تحریم‌های اقتصادی تاریخ است. بر اساس پژوهشی که جفری اسکات بر روی داده‌های آماری OFAC انجام داده است، جمهوری اسلامی ایران با ۱۷۳۳ مورد تحریم بیشترین تحریم‌های آمریکا را متحمل شده است (Schott, 2021).

هدف اصلی تحریم‌ها محدود کردن تجارت و تامین مالی خارجی است که با هدف تحت فشار قراردادن یک کشور خاص و یا افراد خاصی، برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی و امنیت بین‌المللی اعمال می‌شود. تحریم‌های هدفمند و هوشمند با تمرکز بر تحریم‌های مالی در کشورها اعمال میشوند که به راحتی قابل اعمال، به سختی قابل دور زدن و با اثرات بیشتری هستند (مروی و شایسته، ۱۳۹۴: ۲۰).

در چنین شرایطی دیپلماسی اقتصادی مهم‌ترین ابزار حقوقی و سیاسی مقابله با تحریم به شمار می‌رود. آنچه امروز در ایران مورد توجه سیاستمداران قرار گرفته است این است که شرایط تحریم را می‌توان به فرصتی برای کاهش وابستگی به اقتصادهای خارجی و تنوع بخشی به اقتصاد ملی تبدیل کرد. دولت در توسعه صادرات غیر نفتی، وظایف و نقش اساسی را می‌تواند ایفا کند بدین شکل که در زمینه‌هایی که کشور دارای مزیت تولید کالا می‌باشد با دیپلماسی، زمینه را برای صادرات آن صنعت باز کند. این امر از طریق دیپلماسی دولت با کشورهای دیگر و همچنین تمرکز بر رفع موانع غیر تعرفه‌ای بر سر راه توسعه تجاری کشور توسط هیات‌های دیپلماتیک ایران در سایر کشورها محقق خواهد شد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در دیپلماسی اقتصادی، اولویت بر جذب سرمایه خارجی است. مدل صحیح جذب سرمایه خارجی مبتنی بر مواردی که در متن مقاله ارائه شد، باید در صدر اقدامات دیپلماتیک در حوزه اقتصاد باشد.

همچنین طراحی دیپلماسی اقتصادی بیشتر باید متناسب با نیازها و امتیازاتی از جنس معافیت‌های مالیاتی، مشوق‌های مالی و امتیازات به شرکت‌های چند ملیتی که در ایران دفتر و فعالیت مؤثر دارند، باشد.

اولویت بعدی مذاکره‌کنندگان ایرانی باید بر عضویت و استفاده ایران از سازمان‌های اقتصاد جهانی از جمله سازمان تجارت جهانی، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول باشد. ایران بزرگترین اقتصاد خارج از سازمان تجارت جهانی است و علیرغم همسایگی با پانزده کشور، از پیمانهای منطقه‌ای استفاده مناسبی نکرده

است. فرصت حضور ایران در سازمان همکاری شانگ‌های و اتحادیه اقتصادی اوراسیا علاوه بر فرصتهای تجاری، امکان تجربه آموزی و اصلاح ساختار متناسب با اقتصاد جهانی را به ایران می‌دهد.

در گرفتن امتیازات ویژه باید به نیازهای کشورهای همسایه و بازار منطقه توجه داشت. این پژوهش نشان می‌دهد داشتن مزاد تجاری باید راهبرد پنجم در دیپلماسی اقتصادی کشور باشد که این امر در تجارت با کشورهای همسایه محقق می‌شود.

اولویت ششم در دیپلماسی اقتصادی، باید گرفتن امتیازات به ویژه امتیازات تعرفه‌ای، ارزی و مالیاتی برای صادرکنندگان بخش خصوصی در کشورهای مقصد باشد. شاید عجیب باشد اما نظر خبرگان اقتصادی در این تحقیق بر این بوده است که در دیپلماسی اقتصادی، سهولت صادرات بخش خصوصی از صادرات نفت و گاز از اهمیت بیشتری برخوردار است.

اولویت‌های هفتم و هشتم در دیپلماسی اقتصادی به تقویت جایگاه کشور در بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول اختصاص دارد. این کار با تقویت نمایندگی‌های ایرانی و تقویت کرسی کشور در کمیسیون‌ها و کارگروه‌های تخصصی این نهادها اتفاق می‌افتد.

نهمین اولویت دیپلماسی اقتصادی باید تسهیل صادرات کالاهای صنعتی باشد. تجربه تعرفه‌های ترجیحی بین ایران و ترکیه، ایران و کشورهای اوراسیا و ... نشان داده است که سهم کالاهای صنعتی در لیست کالاهای مورد توافق معمولاً کم و کالاهای کشاورزی و نیمه صنعتی سهم بالایی دارند. سنگین کردن کفه ترازوی توافقات دیپلماتیک اقتصادی به نفع کالاهای صنعتی، اولویت نهم در این حوزه است. دهمین اولویت دیپلماسی اقتصادی، آزادسازی اقتصاد است. این کار گرچه در حوزه سیاست‌های داخلی تعریف می‌شود اما گرفتن مشاوره‌های بین‌المللی و استفاده از فرصتهای بین‌المللی در این حوزه، دهمین اولویت دیپلماسی اقتصادی ایران است.

تهاتر و یا مبادله با پول ملی بین کشورها و احیاء و یا اصلاح توافق نامه‌های قبلی بین ایران و سایر کشورها می‌تواند مسیر مناسبی برای بهبود جایگاه ایران در حکمرانی اقتصادی منطقه غرب آسیا ایجاد کند.

یافته‌های این پژوهش لیست ۲۵ اقدام اولویت‌دار دیپلماسی اقتصادی را ارائه کرده است. این لیست علاوه بر توضیح موارد، میزان اثرگذاری آن‌ها بر حکمرانی اقتصادی بین‌المللی ایران را نیز ارائه کرده است. حکمرانی اقتصادی که ضامن منافع ایران در عرصه بین‌الملل است.



## فهرست منابع

- حافظ نیا محمدرضا و همکاران (۱۳۸۵). طراحی مدل سنجش قدرت ملی کشورها. فصلنامه ژئوپلیتیک. ۲: ۴۶-۷۳.
- حبیبی، آرش و همکاران (۱۳۹۳). تصمیم‌گیری چندمعیاره فازی. رشت. کتبه گیل. خورشید، صدیقه و ذبیحی، رضا (۱۳۸۹). یک مدل کمی ارزیابی ارزش ویژه نام و نشان تجاری محصولات با استفاده از تکنیک‌های تحلیل شبکه فازی - تحلیل پوششی داده‌ها بر مبنای کارت امتیازی متوازن. نشریه بین‌المللی مهندسی صنایع و مدیریت تولید. ۲۱(۱): ۳۵-۴۷.
- دهشیری محمدرضا (۱۳۹۳). جهانی شدن و نظام بین‌الملل. فصل‌نامه مطالعات راهبردی جهانی شدن. ۱۱: ۴۴-۷.
- دینیتزکمانی، علی (۱۳۹۱). چشم‌انداز نظام اقتصاد بین‌الملل: رویکرد آینده‌پژوهی. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی. ۶۱: ۲۱۶-۱۹۳.
- رنجبر، همایون و همکاران (۱۳۹۱). حکمرانی جهانی: مولفه‌ها و ابزارها. فصل‌نامه مطالعات راهبردی جهانی شدن. ۶: ۶۶-۲۹.
- زرقانی، هادی (۱۳۹۱). سنجش و رتبه‌بندی قدرت ملی در جهان اسلام. فصل‌نامه مطالعات جهان اسلام. ۲: ۲۶-۱.
- عباسی، مجید و کیانی، علی اکبر (۱۳۹۱). حکمرانی جهانی و حقوق جهانی؛ گذار از حقوق بین‌الملل دولت‌محور در عصر جهانی شدن. فصل‌نامه مطالعات راهبردی جهانی شدن. ۹: ۱۹۴-۱۸۰.
- فاخری، مهدی (۱۳۹۳). بازیگران ملی و فراملی در روند جهانی شدن. فصل‌نامه مطالعات راهبردی جهانی شدن. ۱۴: ۴۸-۵۲.
- کوهن، تئودور اچ (۱۳۹۲). اقتصاد سیاسی جهانی. ترجمه عادل پیغمی و همکاران. تهران مرکز ملی مطالعات جهانی شدن.
- گیلپین، رابرت (۱۳۸۷). اقتصاد سیاسی جهانی؛ درک نظم اقتصاد بین‌الملل (مترجم: مهدی میرمحمدی و همکاران). تهران. موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
- مروی، علی و شایسته، افسانه (۱۳۹۴). اقتصاد تحریم؛ بررسی تحریم‌های اقتصادی در جهان. کرج. مرکز آموزش فند کرج.

- Alwxander Wendt, 1992, Anarchy is What State Make of it: The Social Construction of Power Politics, *International Politics*, 46.
- Anne-Marie Slaughter, 2004. *A Read New World Order*. Princeton university Press.
- Barry Einchengreen and Peter B. Kenen, 1994, managing the World Economy Under the Bretton Woods System: An Overview, In Oeter. Kenen ed: *Managing the World Economy: Fifty Years after Bretton Woods*, Washington D.C. Institution for International Economics.
- Daniel Kaufmann, Aart Kraay, and Massimo Mastruzzi. (2005). *Governance Matters IV: Governance Indicators for 1996-2004*. World Bank Policy Research Working Paper 3630.
- DaniRodrik. (2001). *THE GLOBAL GOVERNANCE OF TRADE*. Harvard university press.
- Da-YongChang (1996). Applications of the extent analysis method on fuzzy AHP. *European Journal of Operational Research*. Volume 95, Issue 3, 20 December 1996, Pages 649-655.
- Denis Stairs, *Global Governance as a Policy Tool: The Canadian Experience*, In Riamo Vayrwen *Globalozation and Global Governance*, 1999.
- Doing Business report series-World Bank Group. [Doingbusiness.org](http://Doingbusiness.org). Retrieved 2013-05-20.
- Einchengreen Barry and Peter B. Kenen, 1994, managing the World Economy Under the Bretton Woods System: An Overview, In Oeter . Kenen ed: *Managing the World Economy: Fifty Years after Bretton Woods*, Washington D.C. Institution for International Economics.
- Final Report of the 53th Annual DPI/NGO conference, New York U.N., 2008.
- Global Governance 2025: At a Critical Juncture*.
- Global Governance 2025: At a Critical Juncture*. USA. Office of the director of national intelligence. 2010.
- Global governance and governance of the global commons in the global partnership for development beyond 2015*. UN system task team on the post 2015 UN Development Agenda. January 2013.
- Hedly Bull, 1977. *The Anarchical Society: A Study of Order in World Politics*, London, Macmilan.
- Krasner Stephen D., 1999, *Soverignty: Organized hypocrisy*, Princeton university press.
- Lawrence S. Finkelstein, 1995, *What is Global governance?*, *Global Governance* 1.
- Lee Amy H.I; Wen-Chin Chen, Ching-Jan, Chang (2008), A fuzzy AHP and BSC approach for evaluating performance of IT department in the manufacturing industry in Taiwan, *Expert Systems with Applications* 34 , pp. 96-107.
- Manuela Moschella and Catherina Weaver. (2014) *HAND BOOK OF*

- GLOBAL ECONOMIC GOVERNANCE. United Kingdom. Routledge.
- Michael Barnett & Raymond Davall, 2005. Power in Global Governance, Cambridge University Press.
- Mihaly Simai, 1994, The Future of Global Governance Managing Risk and Change in the International System, Washington D.C.
- Ngair Woods. (2013). Global Economic Governance after the 2008 Crisis. University of Oxford; the Global Economic Governance Programme.
- Nowrot, Kersten (2004). Global Governance of International Law. (report). Martin Luther University.
- Richard N. Cooper. (1968) The Economics of Interdependence; Economic Policy in The Atlantic Community. New York McGraw Hill.
- Schott Jeffrey. 2021. Raising a Caution Flag on US Financial Sanctions against China. Peterson Institute for International Economics.
- Stephen D. Krasner, 1999, Sovereignty: Organized Hypocrisy, Princeton University Press.
- Sylvia Ostry, 1997, A New Regime for Foreign Direct Investment, Washington D.C. Group of Thirty.
- The Commission on Global Governance, Our Global Neighbourhood, 1995. Oxford: Oxford University Press.
- The Commission on Global Governance, Our Global Neighbourhood, Oxford: Oxford University Press, 1995, p. 4.
- Thomas G Weiss & Leon Gordenker, 1996, NGOs, The U-N and Global Governance Lynner Publishers Boulder, London.
- Thomas G. Weiss and Ramesh Thakur. (2010) The UN and Global Governance: An Idea and Its Prospects, Indiana University Press, forthcoming.
- [www.iglo.org/Global Governance Program](http://www.iglo.org/Global Governance Program).